

# نامگذاری فرزندان در اسلام

مؤلف:

صادق رجبیان تمک

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

**www.aqeedeh.com**

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

#### سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaiislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

# بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

- نامگذاری فرزندان در اسلام ..... ۴
- چه وقت نوزاد نامگذاری می‌شود؟ ..... ۴
- نامگذاری با نام‌های غیر عربی: ..... ۱۲
- منابع کتاب ..... ۱۴

## نامگذاری فرزندان در اسلام

یکی از امور پسندیده اجتماعی آن است که پس از تولد فرزند، پدر و مادر برای او نامی انتخاب می‌کنند تا با آن شناخته شود و برای دور و نزدیک قابل شناسایی باشد و چون شریعت اسلامی کامل شد و هیچ موردی را فروگذار نکرده است، به این نکته نیز توجه نموده و به آن اهمیت داده است و احکامی وضع نموده که نشانگر توجه این عقیده والا به موضوع فوق است، تا امت اسلامی تمامی مسائل مربوط به نوزاد را هم بداند و تمامی آنچه را که باعث ارتقاء و تکامل شخصیت و تربیت او می‌گردد بشناسد و بکار گیرد.

### چه وقت نوزاد نامگذاری می‌شود؟

اصحاب سنن از «سمره» روایت می‌کنند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «کل غلام رهین بعقیته، تذبح عنه یوم سابعه، ویسمی فیه ویحلق رأسه».

«هر بچه‌ای در گرو عقیده‌اش<sup>(۱)</sup> است که روز هفتم، (گوسفندی) از طرف وی سربریده می‌شود و در آن روز نامگذاری شده و سرش را می‌تراشند».

بنابراین، حدیث نامگذاری نوزاد باید در روز هفتم بعد از ولادت باشد و از طرف دیگر احادیثی داریم که دلالت دارد بر اینکه نامگذاری نوزاد در همان روز ولادت است.

«امام بخاری» و «امام مسلم» از «سهل بن الساعدی» روایت می‌کنند که می‌گوید: وقتی «منذر بن ابواسید» متولد شد او را نزد رسول اکرم ﷺ آوردند، پیامبر ﷺ نشسته بود و بچه را بر روی زانویش نهاد در حالی که «ابواسید» نشسته بود، پیامبر اکرم ﷺ به چیزی که در برابرش بود سرگرم شد، «ابواسید» امر کرد تا بچه را از روی پای حضرت رسول ﷺ بردارند.

پیامبر ﷺ فرمودند: بچه کجاست؟ «ابواسید» گفت: ای رسول خدا! بچه را برگردانیم.

---

۱- عقیده به مفهوم ذبح گوسفند به جهت تولد نوزاد در روز هفتم ولادت.

پیامبر ﷺ فرمود: اسمش چه بود؟ گفت: اسمش فلان بود.

فرمودند: خیر، بلکه اسم او منذر است.

همچنین در صحیح «مسلم» در حدیث سلیمان بن المغیره، از ثابت از «انس رضی الله عنه» آمده که گفت:

پیامبر ﷺ فرمودند: امشب بچه ام بدنیا آمد، او را به نام پدرم ابراهیم نام نهادم.

از احادیثی که گذشت، چنین بر می آید که در اسم گذاری از لحاظ زمانی وسعت زیادی هست، جایز است که در همان روز اول ولادت باشد و می شود آن را تا سه روز به تأخیر انداخت و یا در روز عقیقه نوزاد که روز هفتم است، می شود انجام گیرد و قبل از عقیقه و بعد از آن هم مجاز است.

بر پدر و مادر واجب است که بهترین و زیباترین نام‌ها را برای فرزندان خویش انتخاب کنند، پیامبر گرامی ما که درود و سلام خدای بر او باد - در این باره مسلمانان را تشویق نموده و به انجام آن امر فرموده‌اند:

«إنکم تدعون یوم القیامة بأسمائکم وبأسماء آبائکم، فأحسنوا أسماءکم»<sup>(۱)</sup>. «روز قیامت شما

را با نام‌های خود و پدرانتان صدا می‌زنند، پس نام‌های نیک برگزینید».

و همچنین از ابن عمر رضی الله عنهما آمده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «إن أحب

أسمائکم إلی الله عزوجل عبدالله وعبدالرحمن» «محبوب‌ترین نام‌هایتان نزد خدای عزوجل

«عبدالله» و «عبدالرحمن» است.»

اما اسلام اصولی برای نامگذاری کودک قائل شده است:

نام نیک باشد، به طوری که مردم آن را قبیح و زشت نشمارند و کودک پس از بزرگ

شدن و به حد بلوغ رسیدن از آن اکراه نداشته باشد و یا کرامت و احترام فرزندشان را

خدشه دار نکند و باعث استهزاء نشود.

۱- روایت ابوداود حدیث حسن.

نام بیانگر بدبینی و تشاؤم<sup>(۱)</sup> نباشد، و یا معنی آن ناپسند نباشد، در ضمن نام شخصی نباشد که بر فسق و فجور در میان مردم مشهور است و امثال آن، این گونه اسامی برای نامگذاری مناسب نیست. پیامبرگرامی ﷺ نام‌های زشت را به نام‌های نیک تغییر می‌داد. همچنین پدر مادر و برهیچکس دیگر جایز نیست که فرزندان و یا کسانی را با القاب زشت صدا کنند، القابی مانند «قصیر» (کوتوله یا کوتاه) «اعور» (یک چشم) «اخرس» (لال) «خفساء» (سوسک سیاه) و مانند آن. زیرا خدای متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ [الحجرات: ۱۱]. «و یکدیگر را با القاب (لقب‌ها) زشت و ناپسند مخوانید و منامید».

استاد شهید سیدقطب در تفسیرش فی ظلال القرآن در رابطه با این آیه می‌گوید: «از جمله تمسخرها و عیبجوئی‌ها مردمان را ملقب به القاب زشت و قبیح نامیدن است.

القابی که مردمان از آن‌ها بدشان می‌آید و احساس می‌نمایند ایشان را مورد استهزاء قرار می‌دهند و بدان القاب ننگین شان یاد شان می‌کنند. ادب مؤمن هم اقتضاء می‌کند که برادر خود را با همچون القابی اذیت و آزار نرساند.

پیامبر خدا ﷺ اسم‌ها و لقب‌هایی را تغییر داد که در دوره جاهلیت بر کسانی گذاشته بودند با احساس تیزبین و هوش سرشار و دل بزرگوارش درک و فهم فرموده بود که چنین نام‌ها و لقب‌هایی دارندگان خود را ننگین می‌دارند و ایشان را می‌آزارند، یا آنان را به صفت نکوهیده و ناپسند متصف می‌سازند».

این آیه پس از اشاره به ارزش‌ها و معیارهای حقیقی در ترازوی خدا، و پس از به جوش و خروش در انداختن احساس و شعور برادری، بلکه احساس و شعور جای گرفتن در پیکره فرد یگانه‌ای، معنی ایمان را برمی‌انگیزد، و مؤمنان را از فقدان این

۱- تشاؤم: فال بدزدن به چیزی (لغت نامه‌ی دهخدا).

وصف بزرگوارانه، و از دررفتن از آن، و انحراف از آن، به سبب تمسخر کردن و عیبجوئی نمودن و به القاب زشت و پلشت ملقب ساختن، می‌ترساند و برحذر می‌دارد: ﴿بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ﴾ (الحجرات: ۱۱). (برای مسلمان) چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه آلود (دالّ بر تمسخر، و طعنه زدن و عیبجوئی کردن، و به القاب بدخواندن) گفتن و برزبان راندن.»

تمسخر کردن و عیبجوئی نمودن و دیگران را به القاب زشت و پلشت خواندن، چیزی است که به برگشت از ایمان می‌ماند! این آیه تهدید می‌کند که چنین کارهایی ظلم بشمار می‌آید، و ظلم یکی از تعبیرات شرک است: ﴿وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (الحجرات: ۱۱).

«کسانی که (از چنین اعمالی و اقوالی) دست برندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند (و با سخنان نیشدار، و باخرده گیری‌ها، و ملقب گرداندن مردم به القاب زشت و توهین آمیز، به دیگران ظلم می‌کنند).»

بدین وسیله این آیه پایه‌های ادب درونی و خلق و خوی روحانی را برای بنیاد جامعه فاضل و بزرگوار بالا می‌برد و استوار می‌دارد.

امام ترمذی و ابن ماجه از ابن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کنند: که همانا حضرت عمر دختری به نام «عاصیه»<sup>(۱)</sup> داشتند، رسول خدا نامش را به «جمیله» تغییر دادند. ابوداود روایت می‌کند: پیامبر اکرم این نام‌ها را تغییر داد: عاصی، عزیز، عتله<sup>(۲)</sup>، شیطان، حکم، غراب، حباب<sup>(۳)</sup> و همچنین ابوداود روایت می‌کند که نام‌های ذیل را رسول خدا بدین

۱- عاصیه: طفیانگر، کسی که فرمان نمی‌پذیرد.

۲- عتله: شدت و غلظت.

۳- نام نوعی مار است.

گونه تغییر دادند: نام «حرب» را که به معنی جنگ است و «سلم» که به مفهوم صلح است، عوض کردند. نام «مضطجع»<sup>(۱)</sup> را به منبعث و «بنی الزّیّیه»<sup>(۲)</sup> را بنی الرّشده» تغییر داد. نام، بیانگر تکبر، عظمت و خودبینی نباشد: در حدیث صحیح روایت شده است که پیامبر گرامی ﷺ می فرماید: «أَخْنَعُ إِسْمٍ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ تُسَمَّى مَلِكُ الْأَمْلاكِ، لَا مَلِكَ إِلَّا اللَّهُ»<sup>(۳)</sup>.

«زشت ترین نام نزد خداوند متعال در روز قیامت مردی است که خود را شاه شاهان، شاهنشاه نام نهاده باشد، در صورتی که فقط خداوند متعال مالک و صاحب این جهان است.»

بر والدین واجب است که از گذاشتن نام‌هایی که به خداوند سبحان اختصاص دارد، خودداری کنند.

مثلاً گذاشتن (اسماء الله الحسنى) مانند: احد، صمد، خالق، رازق، رحمان، مهیمن، جبار، متکبر، باری و یا در نام خانواده گی بکار بردن مانند: الهی ثانی، رحمان زاده، رحمانی، رحمانی نژاد، خالق نژاد، خالق نیا، خالق پور، خالق زاده، خالق پور، سبحان زاده امان بردی، مشهدبردی (یعنی فرزند را به او مشهد بخشیده است) و امثال آن حرام است. به همین ترتیب، نامگذاری با نام‌هایی که مختص خداوند متعال نیستند، اما علامت معرفه دارند، مانند: العزیز، الحکیم، العلی، العلیم و امثال آن جایز نیست، ولی توصیف اشخاص با آن اسامی به صورت نکره هیچ اشکالی ندارد، و همان طور که شاهد هستید نام‌هایی چون علی و حکیم نام اصحاب پیامبر بود یا اسامی دیگری مانند: عزیز، حلیم، رئوف، کریم، رشید، هادی، نافع و امثال آنکه از این قبیل است، سنت است که

۱- مضطجع: خوابیده، منبعث: برخاسته.

۲- بنی الزّیّیه: یعنی فرزندان زنا، بنی الرّشده: فرزندان رشد و آماده‌گی.

۳- روایت بخاری، مسلم و ابوداود.



تسمیه‌ی اشخاص با یکی از نام‌های پیامبران و صالحان باشد، تا از یک طرف یادى از آن بزرگان گردد و از طرف دیگر سبب تشویق و ترغیب و پیروی از آنان شود.

نام، بیانگر پرستش غیرخدا نباشد، مانند: عبدالکعبه، عبدالنبی، عبدالرضا، عبدالرسول، عبدالحسین، عبدالمحمد، محمدقلی، مشهدقلی، ارازقلی، اولیاءقلی، ایشان قلی، جمعه قلی، پیغمبرقلی، براتقلی، عوض قلی، امیرقلی، حیدرقلی، خدرقلی، امان قلی<sup>(۱)</sup>، یا نام‌هایی که میان غیرعرب معروف است مانند: غلام احمد، غلام علی، غلام گیلانی و امثال آنها از جمله نام‌های حرام هستند.

ابن حزم روایت می‌کند که امت بر تحریم هرگونه نامی که بیانگر پرستش غیرخدا باشد، جز «عبدالمطلب» اجماع دارند.

اما در اینجا شاید سئوالی برای خواننده عزیز پیش آید، سؤال و آن اینکه، اگر این نام‌ها حرام هستند، چرا پیامبر اکرم در غزوه «حنین» در گرماگرم و بحبوحه جنگ بر بلندی رفته و فریاد برآوردند:

«أَنَا النَّبِيُّ لَا كَذِبُ أَنَا ابْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ»<sup>(۲)</sup>.

منم پیامبر بر حق، دروغ نیست منم فرزند عبدالمطلب باید در جواب گفت: که درست است که پیامبر کلمه «عبدالمطلب» را بر زبان جاری کردند ولی این نام بردن از باب انشاء و ابتداء نبود، یعنی این نام را ایشان (پیامبر) ایجاد نکرده است و قبل از جاری ساختن آن بر زبان، ابتدا آن نام را بر شخص معین گذاشته بودند.

«ابن القیم» می‌گوید: در اینجا رسول خدا ﷺ اسمی را بیان کردند و خبر از نامی دادند که مسمای آن که پدر بزرگ ایشان بود قبلاً به این نام شناخته شده بود.

خصوصاً در مواضعی که در آنجا رسول خدا ﷺ در مقابل دشمنان، مبارزه طلبی می‌نمودند، پس در مواضعی مانند موضع رسول اکرم ﷺ در جنگ «حنین» حرام نیست.

۱- نام‌هایی که همراه با قلی آمده در بین اقوام ترکمن نامگذاری و معروف است.

۲- بخاری ۲۹۳۰، مسلم ۴۵۰۷، امام احمد ۱۸۴۹۵ و ۱۸۵۰۲.

دلیل دیگر آنستکه اصحاب رسول خدا ﷺ در مقابل ایشان نام قبایلشان را مانند: «بنی عبدمناف» «بنی عبدشمس» و «بنی عبدالدار» می‌بردند و آن حضرت آنان را نهی نمی‌کرد، زیرا نامی است که قبلاً گذاشته شده و کسی یا گروهی با آن نام خاص شناخته می‌شوند. نکته قابل توجه در بحث اخیر آن است که نام‌هایی که عبودیت غیرخدا را می‌رساند، اگر بخواهیم از آن خبر دهیم اشکالی ندارد، ولی اگر ایجاد نمائیم و یا خود ابتداء به شخص معینی بگذاریم، قطعاً حرام خواهد بود.

و والدین محترم باید از اسم‌هایی که دلالت بر گداختگی و عشق سوزان و سرگشتگی دارد بپرهیزند مانند: «هیام» (عاشق سرگشته) «هیفاء» (کمر باریک) «نهاد» (دخترسینه برجسته) «میاده» (زن لرزان) «غاده» (زن نرم اندام) «احلام» (جمع حلم به مفهوم عقل و بردباری یا جهالت) و از نام‌های مشابه که خود می‌توانیم براساس این قاعده آن را دریابیم.

نامگذاری فرزندان با اسم‌هایی که بیانگر انزجار از اینکه فرزند دختر شده است، اشکال دارد:

در پرتو همین رهنمون قرآن و سنت نبوی نامگذاری فرزندان که بیانگر انزجار از اینکه فرزند دختر شده است اشکال دارند نام‌های همچون: بَسْدِر (بس است) قیزسونگی (آخرین دختر یا پایان دختران) دویدق (سیرشدن از فرزند دختر) اوغل دوندی (آرزوی پسر را داشته، زمانی که آن اولاد دختر بوده و به او می‌گفتند: اوغل دوندی از حالت مؤنث به مذکر تبدیل بشود) اوغل گِریگ (فرزند پسر می‌خواهم) خداوند متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ

مَا بُشِّرَ بِهِ ۚ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ ۗ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾﴾

[النحل: ۵۸، ۵۹].

«وهرگاه به یکی از آنان مژده تولد دختری بدهی چهره‌اش سیاه می شود، در حالیکه خشمگین است به دلیل خبرناخوشایندی که به او داده اند، خود را از دید قوم پنهان می کند و در این اندیشه است که آیا او را با خفت و خواری نگهدارد یا زنده به گور کند، به راستی که بدحکم می کنند».

حال اگر کسی باز هم خبر تولد دختر را ناخوش بدارد به علت ضعف ایمان و عقیده متزلزل اوست چرا که به تقدیر الهی راضی نیست، اگر درست بیندیشد، در میابد که والدین طفل و تمامی اهل زمین اگر دست به دست هم بدهند قادر به تغییر قانون الهی نیستند. و یا عقیده دارند که فرزندی بعد از دنیا آمدن فوت می کرد، مادر و بانوزاد بعدی رابه مکانی بنام اُجُق و یا خانقاه می بردند که جایگاه درویش است (و یا هر مکانی نظیر آن) که از ایشان می خواستند که نوزاد آنان را از مرگ حتمی محفوظ نماید و یازنانی که نازاهستند فرزندی ببخشاید، و همچنین نام‌هایی نظیر: تاج دردی، حاجی دردی (ماندن) یعنی با گفتن چنین کلمه به نظرشان جان کودک از خطر مرگ نجات پیدا می کرد و او را به آن نام، نامگذاری می کردند. ولی این کار در توانایی کسی است که مالک آن باشد و بر آن توانایی داشته باشد که فقط خدای سبحان است که آن توانایی را دارد، و او است که برکت را می فرستد و آن را ثابت نگه می دارد، خداوند متعال در قرآن کریم تمامی درِ بخشیدن فرزند دختر و پسر را، بغیر از خودش بسته و او بر همه چیز قادر و تواناست و در قرآن کریم در رابطه با بخشیدن اولاد و علم آن چنین می فرماید:

﴿مَخْلُوقٌ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنْتِثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الْذُّكُورَ ﴿٥٩﴾ أَوْ يَزُوجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنْتِثًا ط  
وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا ﴿٥٩﴾ إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٩﴾﴾ [الشوری: ۴۹، ۵۰].

«هرچه بخواهد می آفریند. به هرکس بخواهد دخترانی می بخشد و به هرکس که بخواهد پسرانی عطاء می کند و یا این که هم پسران می دهد و هم دختران. و خدا هر که را بخواهد نازا می کند. او بس آگاه و توانا است».

همه این حالات تابع مشیت و اراده خدا است. هیچ کسی جز خدا در این حالت دخالت ندارد، او است که برابر علم و آگاهی خود همچون حالاتی را مقدر و مقرر می‌فرماید، و یکایک آن‌ها را با قدرت و قوت خویش اجراء و تنفیذ می‌نماید: ﴿إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾ «او بس آگاه و توانا است».

این چنین نام‌های بی محتوا که در بین اقوام ترکمن نامگذاری می‌شود، که چنین نامگذاری با نص صریح قرآن و سنت مخالف است، باید پرهیزند. اما چرا این نام‌ها مطلوب نیست؟ در جواب باید گفت:

این نام‌ها اعتبار امت اسلامی را لکه دار و هویت او را نابود کرده و معنویات او را از بین می‌برند.

### نامگذاری با نام‌های غیر عربی

حکم اسلام به وجوب برگزیدن نام‌های عربی یا غیر عربی برای فرزندان پسر یا دختر نیست بلکه چنین مسئله‌ای را به خود خانواده و اگذار کرده است ولی از آنان می‌خواهد که در نامگذاری فرزندان خود از نام‌های نیک استفاده کنند. هیچ فقیهی نامگذاری اشخاص را با یکی از نام‌های غیرعربی - اگر آن نام در آن زبان نیکو باشد - ممنوع ندانسته است. بسیاری از مسلمانان پس از آنکه اسلام را پذیرفتند بر نام‌های غیرعربی خود باقی ماندند، با وجود اینکه در محیطی عربی بودند. نمونه‌ی بارز آن «ماریه»ی قبطی مادر ابراهیم پسر پیامبر گرامی ﷺ است، که با همان نام قبطی مصری در میان مسلمانان مشهور است.

وقتی که به اسامی اصحاب و تابعان آنان نظری بیافکنیم، در می‌یابیم که نام‌های حیوانات و پرندگان است، مانند اسد، فهد، هیثم، صقر و... یا از نام جمادات و اشیای طبیعی است، مانند: بحر، جبل، صخر و... یا از اوصاف مشتق شده است، مانند: عامر، سالم، عمر، سعید، فاطمه، عائشه، صفیه، میمونه و... یا نام یکی از پیامبران و صالحان پیشین است، مانند: ابراهیم، اسماعیل، یوسف، موسی، مریم و...

---

در پرتو چنین اصولی است که پی می‌بریم هر مسلمان می‌تواند از نام‌های عربی و غیرعربی برای نامگذاری فرزندش استفاده کنند.

صادق رجیبیان تمک

کلاله - توتلی تمک

## منابع کتاب

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تفسیر فی ظلال القرآن
- ۳- صحیح بخاری
- ۴- صحیح مسلم
- ۵- سنن ترمذی
- ۶- سنن ابی داوود
- ۷- سنن ابن ماجه
- ۸- سنن نسائی
- ۹- دیدگاه‌های فقهی معاصر (فتاویٰ معاصر) دکتر یوسف قرضاوی
- ۱۰- چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟ (تربیه الاولاد فی الاسلام) - عبدالله ناصح  
علوان
- ۱۱- توسل (وساطت بین خدا و بندگان) ابراهیم محمدی
- ۱۲- نبی رحمت - ابوالحسن ندوی
- ۱۳- زیارت مسنون - صادق رجیبیان تمک